



# تحلیلی بر مؤلفه‌های تأثیرگذار در ماندگاری معماری بازارهای تاریخی ایران

(مطالعه موردی: بازار تاریخی تبریز)\*

الهام حاتمی گلزاری<sup>1</sup>، احمد میرزا کوچک خوشنویس<sup>2</sup>، قادر بایزیدی<sup>3</sup> و فواد حبیبی<sup>4</sup>

تاریخ دریافت: 97/09/08

تاریخ پذیرش: 98/02/21

**چکیده:** پدیده‌های ماندگار در طول زمان می‌مانند و بار می‌گیرند و به بخشی از خاطرات جمعی تبدیل می‌شوند. ماندگاری، بیان نوعی تداوم تاریخی و به دنبال آن تداوم فرهنگی است. عوامل مختلفی بر ماندگاری پدیده‌ها اثرگذار است که هدف از این تحقیق شناسایی این عوامل در معماری با تأکید بر معماری بازار تبریز است. روش تحقیق در مطالعه حاضر توصیفی - تحلیلی و ترکیبی از روش‌های کیفی - کمی است که به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی - میدانی (مشاهده، مصاحبه و پرسشگری) استفاده شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که عوامل مؤثر بر ماندگاری معماری بازار تبریز با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی به ترتیب مؤلفه‌های معنا و هویت، کارکردی و عملکردی و در نهایت کالبدی بوده‌اند. همچنین در این رویکردها بیشترین تأثیرگذاری مربوط به متغیرهای منحصر به فرد بودن اثر (فرم زیبا، خلاقیت و نوآوری اثر، اثرگذاری مطلوب)، خاطره‌انگیزی و ایجاد حس تعلق به فضا، ترکیب با سایر فضاها و عملکردها (وجود کاربری‌های ترکیبی) و کیفیت حضور انسان در مکان بوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که چرخه‌های تکاملی اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نظیر ارزش‌ها، آداب و رسوم، تغییر در تعاملات اجتماعی و روابط اقتصادی و نظام سیاسی حاکم بر جامعه نیز بر ماندگاری معماری بازار تبریز اثرات مختلف مثبت و منفی گذاشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** ماندگاری، معنا و هویت، عملکرد، کالبد، بازار تاریخی تبریز.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "جلوه کمال‌جویی در ضرب‌آهنگ‌کاوی زندگی روزمره و تأثیر آن در ماندگاری معماری، بررسی چهارگونه از بناهای تاریخی تبریز" با همکاری سایر نویسندگان است.

<sup>1</sup> دانشجوی دکتری، رشته معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

<sup>2</sup> استادیار، گروه ابنیه و بافت، پژوهشگاه میراث فرهنگی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) A.m.khoshnevis@gmail.com

<sup>3</sup> استادیار، گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

<sup>4</sup> استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

## 1- مقدمه

معماری خلق فضایی زنده و پویاست که به واسطه بیان معمارانه عینیت پیدا می‌کند. معماری با هدف آسایش و آرامش انسان از تفکر او پدید می‌آید و نمی‌توان آن را تنها در جهت پاسخ به نیازهای مادی و فیزیکی انسان‌ها محدود کرد. می‌توان معماری را به عنوان ظرفی برای زندگی انسان در نظر گرفت که علاوه بر برآوردن نیازهای فوق، هدفی بس والاتر دارد که همانا برقراری ارتباط با احساسات و عواطف انسانی است. از سویی معماری تجسم فرهنگ یک جامعه است که در قالب کالبد مادی ارائه و بیان می‌شود و مورد قضاوت قرار می‌گیرد. امروزه یکی از مهمترین مسائلی که نظر معماران را به خود جلب نموده است، مسأله لزوم ماندگاری در معماری و احیای آن است (Shafeeyan, dariani et al., 2014:33).

در این راستا می‌توان عنوان کرد که هویت مکان و معماری که در بستر آن شکل می‌گیرد، منجر به احیاء و نگهداری یک بنا و ماندگاری آن می‌شود (Seamon, and Sowers, 2008:45; Relph, 1976). این هویت مکان و فضا و یا به عبارتی فضای معماری برگرفته از مؤلفه‌های معنوی، عقیدتی و مادی و تأثیرگذار بر زندگی روزمره است که از هویت و درونیت یک بنا و رضایتمندی مردم و حس اجتماعی نسبت به آن سرمنشأ می‌گیرد (Cross, 2001).

از این رو می‌توان معنا، هویت (Alidoost et al., 2018:40)، کارکرد و کالبد را به عنوان سه مؤلفه اصلی در ماندگاری یک پدیده ذکر کرد (Pakzad, 2015:108). معنای مکان از طریق تجربه مکان برای افراد امکان تفسیر می‌یابد و در بستر زمانی در ارتباط با حواس و عواطف در شرایط اجتماعی - اقتصادی تبلور می‌یابد (Stokols and humaker, 1981). معنا با جنبه‌های روان‌شناختی و ادراکی مردمی عجین می‌شود و می‌تواند معانی متفاوتی را برای آن‌ها در یک مکان مشخص معین سازد. از این رو، تغییرات الگوی کالبدی و فعالیت‌های فضای شهری می‌تواند در سرزندگی و حضور مردم تأثیرگذار باشد (Lak and Jalalian, 2018:72). از سویی مکان یک پدیده چند وجهی است

که علاوه بر محیط فیزیکی، محیط اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر دارد. به عبارت دیگر مکان ترکیبی از فعالیت‌های انسانی (ارتباطات اجتماعی، احساسات، افکار، روابط اقتصادی و ...) در بستر کالبد و فضای یک مکان است (Stedman, 2003). بنابراین طرح مسأله ماندگاری معماری نیاز به یک بررسی متفکرانه، دقیق و همه‌جانبه دارد (Aivazian, 2006:6). همچنین برای اینکه یک پدیده و اثر در گذر زمان رو به زوال نرود و همچنان یک اثر هنری قلمداد شود؛ از بدو خلق باید گروه وسیعی از مخاطبان را مجذوب خویش سازد تا بتواند طی هزاره‌ها، در یادها و خاطره‌ها به عنوان یک اثر ماندگار، جاودانه شود (Golabchi and Zeinali, 2012:1). اما بیان این نکته ضروری است که تحسین و جذب مخاطب تنها زمانی جاودانه و همیشگی می‌شود که هنرمند تنها به آنچه مردم در این زمان خواسته‌اند اکتفا نکند؛ بلکه افقی را برایشان بگشاید که همیشه و در همه زمان‌ها مورد نیاز و توجه مردم باشد و آن‌ها از زیان‌های جذاب ولی مقطعی و زودگذر به لایه‌های متعالی‌تر فر ازمایی و مکانی سوق دهد. او برای این کار باید پیش از مخاطب به آنجا دست یابد. تفاوت هنر والا و عامه‌پسند در همین است. هنر رواج گرفته عامه‌پسند دیری نمی‌پاید و در اندک زمان مودی جانشین مودی دیگر می‌شود (Noghrekar et al., 2009:36). بنابراین می‌توان عنوان کرد عنصر اصلی برای اینکه چیزی خلاقانه خوانده شود، آن است که «نو» باشد، حال این نو بودن ممکن است برای خود فرد باشد، یا برای دنیای خارج از او و باید با مقصود خاصی باشد، نه تصادفی و ارزش‌گذاری جامعه جامعه بر آن در حکم کنترل کننده این دو ویژگی اهمیت دارد (Weisberg, 2006: 60-69).

بر اساس آنچه بیان شد می‌توان این‌گونه در باب ماندگاری یک پدیده معماری عنوان کرد که ماندگاری معماری ابتدا وابسته به خود پدیده و بنا بوده که علاوه بر معمارپسند بودن باید از دیدگاه مردم نیز مورد پسند قرار گیرد، همچنین یک فضای معماری به منظور ماندگار بودن علاوه بر حفظ کالبدی خود بایستی از منظر مؤلفه‌های معنا و هویت و عملکرد پاسخ‌گوی



پژوهشی موجود است. همچنین با توجه به سوابق مطالعاتی محدود در حوزه مورد مطالعه نزدیکترین پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نقره‌کار و همکاران (2009)، در پژوهشی با عنوان راز جاودانگی آثار معماری به بررسی و بیان دیدگاه‌های مختلف مطرح شده در ماندگاری و جاودانگی معماری پرداخته‌اند. دیدگاه‌ها و نگرش‌های مطرح شده در این پژوهش عبارتند از نوگرا و فرانوگرا و رویکردهای فراگیرتر با ویژگی‌هایی همچون هنر معمارپسند و هنر عامه پسند و ... . شعاعی (2011)، مطالعه تطبیقی علل ماندگاری حسینیه‌های ایران (تهران، ساری، بندرعباس، نائین) را مورد بررسی قرار داده است. ایشان به حسینیه‌ها به عنوان اماکن مذهبی اشاره نموده است که بر اساس باورها و عقاید شیعیان از احترام و جایگاه والایی برخوردار بوده و هستند. ماندگاری این فضاهای مذهبی و برگزاری مراسم آیینی عاشورا به چه دلیل می‌توانسته توجیه‌پذیر باشد؟ ایشان با رجوع به نظریات اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه به دلایل ماندگاری فضاهای عمومی شهری بطور اعم و ماندگاری فضاهای حسینیه‌ها به طور اخص به روش توصیفی و تحلیلی همراه با روش مطالعات میدانی و فراتحلیل پرداخته است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در طرح‌ریزی و طراحی تکایا تقریباً الگوی مشخصی دیده می‌شود. تکیه‌ها در فرم سنتی آن، فضایی باز و عمومی است که فضای مربعی شکل در تقاطع دو و یا چند گذر اصلی و فرعی قرار دارد. در اقلیم گرم‌وخشک تمامی ورودی‌ها به آن، به صورت گذرهای سرپوشیده است. از نقطه نظر بافت شهری نیز تکایا در داخل بافت مسکونی قرار گرفته‌اند و ارتباط نزدیکی با محلات شهری دارند. در این تحقیق به بررسی علل ماندگاری حسینیه‌ها بر حسب نوع فعالیت، معنا و کالبد پرداخته شده است. Cruz و همکاران (2011)، در پژوهشی پتانسیل معماری بیوفیزیکی در ماندگاری معماری و عملکرد حرارتی و محیطی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که تکامل تاریخی ساختمان‌ها به صورت یکپارچه تأثیرپذیر

نیازهای زمانی و مکانی باشد و در بستر زمان سیر تعالی خود را طی نماید.

با توجه به اهمیت ماندگاری در معماری و همچنین تأثیر عوامل مختلف بر این امر، این تحقیق با هدف شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ماندگاری معماری در بازار تبریز نگارش شده است. بازار تبریز از سده‌های نخستین اسلامی، از شهرتی خاص برخوردار بود و برای پاسخ‌گویی به فعالیت‌های تجاری، منطقه وسیعی از شهر را در بر می‌گرفت. بازار تبریز از سده چهارم ه.ق. در منابع مختلف آمده است. پس می‌توان گفت که از عمر بازارهای مسقف تبریز حداقل هزار سال می‌گذرد. از اظهار نظرات چنین بر می‌آید که بازار تبریز ضمن داشتن فعالیت‌های مذهبی اجتماعی در فضاهای خود (تیمچه مظفری) از ثبات و پایداری و رونق اقتصادی شایان توجهی در دوران متمادی برخوردار بوده (Pourjafar and Pourjafar, 2011:2). مساحت بازار تبریز 29 هکتار بوده و طول راسته‌های آن 5760 متر است و همچنین این بازار ترکیبی از انواع کاربری‌های اقتصادی، مذهبی و آموزشی با نقش‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.

در این تحقیق ابتدا به شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ماندگاری معماری پرداخته شده است که در این راستا بر اساس مطالعه ادبیات پژوهش سه مؤلفه‌ی معنا و هویت، عملکرد و کارکرد و کالبد استخراج و سپس از طریق مشاهده، پرسشگری و مصاحبه از افراد متخصص، کسبه‌ی بازار و مردم عادی به سنجش ماندگاری در مجموعه‌ی بازار تاریخی تبریز اقدام شده است.

### 1-1- پیشینه تحقیق

در راستای موضوع مورد مطالعه پژوهش‌های محدودی انجام گرفته است که این پژوهش‌ها یا به بررسی دیدگاه‌ها و نظریات مختلف پرداخته و یا به صورت تأکید بر یکی از ابعاد ماندگاری مانند کالبدی یا هویت و معنابخشی، تکنباهایی را مورد بررسی قرار داده‌اند. این تحقیق با تأکید بر مطالعات میدانی و همچنین پرسشگری و مصاحبه و تلفیق مؤلفه‌های مختلف کالبدی، معنا و عملکردی به دنبال پر کردن خلأ

از انرژی و سطح زیست‌محیطی به صورت مکرر است. Yzurdiaga (2014)، نیز در مطالعه خود بیان می‌کند که ماندگاری در فضای شهری و ساخت‌وساز به روش‌های مختلف تعریف شده است که به نظر می‌رسد دوام فنی مهمترین آنها از نظر وجود و قابلیت استفاده از ساختمان‌هاست. شفیعیان داریانی و همکاران (2014)، در مطالعه خود مفهوم ماندگاری در معماری اسلامی و مقایسه آن با مفهوم پایداری در معماری معاصر مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق حاضر بر این مهم استوار است که تفاوت اساسی معماری ماندگار و پایدار در وجود عنصر معنی و معنویت است. علاوه بر این مشخصه، توجه به فرهنگ و استفاده از کهن الگوهای ماندگار و توانایی جذب مخاطب را می‌توان از دیگر تفاوت‌های میان معماری ماندگار و پایدار بیان نمود. طاهر طلوع‌دل و همکاران (1395)، در مطالعه خود به بازشناسی مانایی ماهیت انگاره‌های قدسی در معماری اصیل اسلامی ایران مبتنی بر شناسایی هویت پایدار کالبد مساجد جامع ایرانی پرداخته‌اند. دستاوردهای این پژوهش مدعی بر اثبات این ادعا است که هنر معماری اسلامی ایرانی جلوه‌گاه تحقق امر قدسی در کالبد فیزیکی هنر اسلامی در عین تأمین نیازهای اجتماعی در صورت و معنی است. با رعایت اصل یکپارچگی یا وحدت در عین کثرت، در عملکرد لازم مساجد جامع ایران اسلامی، عملاً این اصل اساسی فلسفی در ضمن ماهیت محفوظ بنای مساجد جامع ایرانی به گونه‌ای هنرمندانه و هوشمندانه نهادینه شده است.

با توجه به خلأ پیشینه تحقیقاتی و همچنین هدف از مطالعه‌ی حاضر، پاسخ‌گویی به سؤال زیر اساس کار است:

- عوامل تأثیرگذار بر ماندگاری معماری بازار تبریز بر اساس مؤلفه درونی (ویژگی‌های خود بنا) و بیرونی (ترکیب با سایر فضاها و کارکردها) کدامند؟
- تأثیرگذاری چرخه‌های زمانی خطی و تکاملی بر ماندگاری معماری بازار تبریز به چه صورتی است؟

## 1-2- مبانی نظری

ماندگار یعنی ماندنی، یعنی آنچه که بتواند باقی باشد و تداوم یابد. به قول Lynch ماندگاری عبارت است از میزان مقاومت عناصر یک شهر در مقابل فرسودگی و زوال و دارا بودن توانایی فعالیت طی دوره طولانی (Pakzad, 2015:108). تعاریف مختلف و واژه‌شناسی

مفهوم ماندگاری در جدول شماره 1 ارائه شده است. اگرچه کالبد بسیاری از آثار ماندگار معماری همچنان باقی است؛ ولی از آنجا که حیات ندارند و برای مردم فرهنگ‌سازی و حیات‌بخشی نمی‌کنند، جاودانگی نداشته و در عین ماندگاری (باقی بودن موجودیت کالبدی) مرده‌اند. کریستوفر الکساندر زنده شدن شهرها و افزایش ماندگاری در معماری را وابسته به احیای «الگوهای مشترک» می‌داند. الکساندر می‌گوید برای آنکه دوباره به الگوی زبانی مشترک و زنده راه بگشاییم، باید نخست بیاموزیم که الگوهای پرمایه و حیات‌بخش را چگونه کشف کنیم (Alexander, 2007:214). برای کشف الگوهای زنده، همیشه باید کار را از مشاهده آغاز کرد. وقتی اولین بار الگویی را ببینید؛ می‌توان اغلب بلافاصله با احساس خود گفت که آیا احساس خوشی به شما می‌دهد یا نه، اگر بعضی الگوها به ما احساس خوبی می‌بخشند از این روست که به انسجام‌بخشی ما کمک می‌کنند و در حضور آن‌ها با خودمان وحدت پیدا می‌کنیم و فقط همین احساس عمیق است که به طور مستقیم به تعادل نیروها و به ظهور واقعیت ارتباط دارد (Golabchi and Zeinali Farid, 2012:249).

نقدهای بسیاری به نظریه‌ی کریستوفر الکساندر مطرح است دکتر مزینی آن را اینگونه بیان می‌کند: مهمترین اشکالی را که از بعد مبانی نظری می‌توان بر او وارد کرد؛ کم‌توجهی او به آرمان‌های معنوی است (Noghrekar et al, 2009:38). بنابراین آنچه باعث و بانی شکل‌گیری اثر معماری ماندگار می‌شود؛ اثری که در ورای زمان و مکان قرار دارد؛ اندیشه‌ای با بن‌مایه‌های محکم و استوار است (Pourjafar et al., 2007:95). در معماری ایرانی آنچه باعث ماندگاری بنا می‌شود؛ توجه به ابعاد معنوی و نمود اعتقادات و فرهنگ مردم جامعه در معماری است که با حضور انسان تکامل می‌یابد و در ورای زمان ماندگار می‌گردد.



جدول 1- تعاریف موجود در راستای موضوع ماندگاری و واژه‌شناسی آن

Tab.1- Definitions on the subject of Stability and its terminology

واژه‌شناسی		
ملاحظات	تعاریف	مرجع‌ها
ماندگاری با پایداری هم معنا دانسته شده است.	کسی که در جایی اقامت (دائم یا طولانی) کند. پایدار، بادوام، آنکه بماند، مقابل رفتنی.	فرهنگ لغت دهخدا (114:1377)
ماندگاری با پایداری هم معنا دانسته شده است.	کسی که در جایی اقامت (دائم یا طولانی) کند. پایدار، ماندنی.	فرهنگ لغت معین (3719:1388)
ماندگاری با پایداری هم معنا دانسته شده است.	پایدار، ماندنی.	فرهنگ لغت عمید (902:1389)
تداوم به عنوان مترادف با ماندگاری بیان شده است.	تداوم (Constancy)	فرهنگ لغات تسارس
واقعیت مداوم در عقیده و البته در عمل به رغم دشواری و یا مخالفت.	ماندگار (Persistence)	فرهنگ لغات آکسفورد
تعاریف		
میزان مقاومت عناصر یک شهر در مقابل فرسودگی و زوال و دارا بودن توانایی فعالیت طی دوره طولانی.		کوبین لینچ (Pakzad, 2015:108)
ماندنی، یعنی آنچه بتواند باقی باشد و تداوم یابد.		پاکزاد (Pakzad, 2015:108)
میزان تداوم یک پدیده در طول زمان از منظر معنا و کالبد		شفیعیان داریانی، پورجعفر، قبادی (35:1393)

به این ترتیب مکان نه تنها در یک مقطع تاریخی، بلکه در طول تاریخ مورد رسیدگی و احترام قرار می‌گیرد و فضایی برای تقویت روحیه انسان‌ها و ارتقای روحانی آنها خواهد شد (Pourjafar, 2003:51-54). پدیده‌های ماندگار در طول زمان طولانی، می‌مانند و بار می‌گیرند و بخشی از خاطرات جمعی می‌شوند. به این ترتیب توجه به انگاره‌های سبب‌ساز ماندگاری فضا، که معنا و انگاره‌ی معنوی آن یکی از آنها است؛ باعث می‌شود که حس تعلق به فضا بیشتر شود. در این حالت فضا دارای زمان دیگری غیر زمان حال می‌شود. تجربه فضا برای استفاده کننده دلپذیرتر، و قدرت تأثیرگذاری فضا نیز تقویت می‌شود و به تبع آن مکان فرصت بروز می‌یابد (Pourjafar et al, 2008:10).

طبقه‌بندی دیدگاه‌های ارائه شده در مورد تداوم یک اثر نشان می‌دهد که معماری چیزی را ماندگار و ستایش می‌کند. از این رو جایی که چیزی برای ستایش شدن وجود ندارد، معماری هم نمی‌تواند وجود داشته باشد (Plasma, 2006:19). پدیده‌های ماندگار در طول زمان-های مختلف و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر ابعاد مختلف زندگی، به بخشی از خاطرات جمعی تبدیل می‌شوند. به این ترتیب توجه به ماندگارها در طراحی

از سویی هویت یافتن یک فضا با معانی نمادین و تبدیل شدن آن به مکان، احساس تعلق مردم را به آن فضا و مکان افزایش می‌دهد. همچنین وجود معنا و انگاره‌های معنوی آن چون ارزش‌ها، اعتقادات، مراسم، و آئین‌های دینی، روحانی و معنوی در هر بنا یا معماری یا مجتمع زیستی می‌تواند انسان را با روح آمیخته با آن که دارای سرچشمه‌های ایزدی است آشنا نماید؛ و موجبات پالایش ذهنی و روحی وی را سبب شود (Pourjafar et al., 2008:10). انگاره‌های معنوی می‌توانند تصور ذهنی به یاد ماندنی و مطبوعی را برای فرد رقم زنند؛ و حس تعلق به محیط و فضا را در وی به وجود آورد. از این رو وجود معنای خاص و بالاخص انگاره‌های معنوی در هر پهنه، محیط و مجتمع زیستی، از واحدهای همسایگی و محله‌ها تا روستاها و شهرها و کلان‌شهرها، می‌تواند زمینه‌ساز ماندگاری و جاودانگی محیط و فضا و بروز مکان ماندگار گردد. در واقع معنا و انگاره‌های معنوی آن به سبب تقویت روابط و تعاملات اجتماعی و همچنین عدم تکیه بر منافع شخصی و تأکید بر منافع عمومی و عناصر روحانی در نهایت به ارزش‌های جامعه توجه خواهند کرد و این موضوع عامل مهمی برای ماندگاری و جاودانگی مکان محسوب می‌شود.

فضا باعث افزایش حس تعلق به فضا می‌شود (Pourjafar et al., 2008:10)، در این حالت فضا از زمان دیگری غیر از زمان حال برخوردار است. ماندگاری، بیان نوعی تداوم تاریخی و به دنبال آن تداوم فرهنگی است. رویکردهای کلی در حوزه ماندگاری و جاودانگی در 3 دسته قابل تقسیم‌بندی است:

اول؛ وجود ایده‌ی خاص و منحصر به فرد بر اساس نظر خواص و جامعه‌ی آکادمیک (معمارمحور، هنر پیشینی) (Mohhamzade, 2006:27; Moeni and Saenia, 2004:425; Hojjat, 2003:65) وجه اخلاقی این گرایش قایل به اعطای آزادی عمل هرچه بیشتر به معمار و امکان ابراز خلاقیت فردی او تا حد ممکن است. این امر از یک سو، ما را با دنیایی وسیع از ایده‌ها و تصورات نو روبرو می‌سازد و از سوی دیگر، خطر بالقوه دور شدن هرچه بیشتر معمار از زندگی و از مخاطب را به ویژه در جوامع سنتی‌تر، به همراه دارد. به این ترتیب کم‌کم نقش ایده و فکر نو، فارغ از ساخته شدن (یا نشدن)، واجد ارزش بیشتری می‌شود، ضمن اینکه حتی ساخته شدن آن نیز در جهت تبلور ایده‌های معمار است و رابطه با مخاطب از طریق بستر فکری و فرهنگی ممکن است. از ویژگی‌های معماری این گروه می‌توان به معمارمحور بودن، نادیده گرفتن انسان به عنوان مخاطب، نو بودن و ... اشاره کرد. این آثار بیشتر از آنکه برای تأمین و رفع نیازی از انسان ساخته شده باشد به دنبال مطرح کردن خود و سازنده‌ی خود است چنانچه عیسی حجت در تعریف این اوضاع می‌نویسد: «معماری برای معمار پیشین "تکلیفی" بود از برای خدمت به خدا و خلق خدا و معماری برای معمار امروز "تکلفی" است از برای معروفیت و خودنمایی».

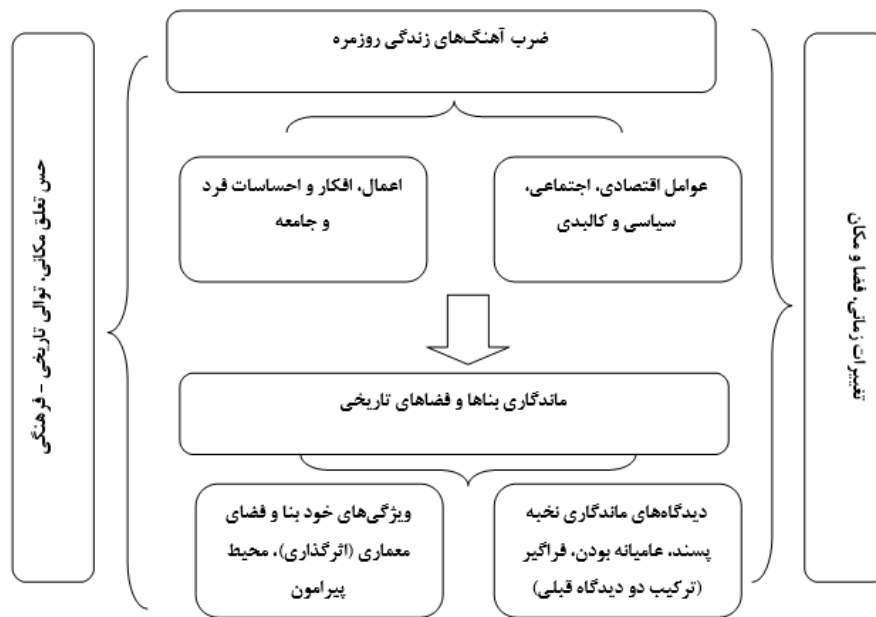
دوم؛ توجه به ایده‌های مردمی و نظر عوام (مردم‌محور، هنر پسینی) (Ingersol and Tatory, 2008, Ghobadian, 2005:105-110; Mozayani, 2002:7) مهمترین طرفداران این دیدگاه مکتب پست‌مدرن است که آن را "معماری پاپ" یا "معماری مردمی" هم نامیده است. در این معماری، از احجام، تزئینات و رنگ‌های عامه‌پسند استفاده می‌شود. اما در نهایت می‌توان دید که این تلاش باز هم نتوانسته خود را از سلاقی معمار جدا کند و تبدیل به نوعی شوخی با نظر عام

شده است. به گونه‌ای که "چارلز جنکز" با وجود آنکه در تلاش برای ساختن طبق نظر مشتری است ولی در نهایت آنچه که خود می‌پسندد، می‌سازد. ممکن است در این گفته تناقضی به نظر برسد که رابطه‌ی معماری جاودانه با مردم چیست و بالاخره آیا اثر والا باید مردمی باشد یا نباشد؟ حل تناقض در این نکته نهفته است که دوست‌داشتنی بودن و تحسین از جانب مردم تنها زمانی جاودانه و همیشگی می‌شود که هنرمند تنها به آنچه مردم در این زمان خواسته‌اند، اکتفا نکند، بلکه افقی را برایشان بگشاید که همیشه و در همه زمان‌ها مورد نیاز و توجه مردم باشد و آنها از زبان‌های جذاب ولی مقطعی و زودگذر به لایه‌های متعالی‌تر فرازمانی و مکانی سوق دهد. او برای این کار باید پیش از مخاطب به آنجا دست یابد. تفاوت هنر والا و هنر عامه‌پسند در همین است. هنر رواج گرفته‌ی عامه‌پسند دیری نمی‌پاید و در اندک زمان "مد"ی جانشین "مد" دیگر می‌شود. شاید سخن گوته - شاعر معروف آلمانی - موضوع را روشن‌تر بیان کند: "هنرمند باید آن چیزی را که مردم باید دوست داشته باشند بیافریند" در عین توجه به آفریدن آن چیزی که مردم دوست دارند.

سوم؛ دیدگاه فراگیر (توجه به هر دو بعد یا به تعبیری ساحتی فراتر و جامع‌تر، هنر جامع) (Mozayani, 2002:7; Alexander, 2007:8)

با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان عنوان کرد که عوامل مختلفی از جمله ویژگی‌های خود معماری (عوامل داخلی) و همچنین چرخه‌های زمانی مانند چرخه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و .. و ترکیب فضای معماری با سایر فضاها (عوامل خارجی) بر ماندگاری معماری تأثیرگذارند، بنابراین بر این مدل مفهومی تحقیق به شرح شکل شماره 1 است. با توجه به ماهیت مطالعه‌ی حاضر، دیدگاه مسلط بر تحقیق تلفیق دیدگاه‌های مختلف بوده که این امر ناشی از ویژگی‌های محدوده‌ی مورد مطالعه (ترکیب انواع فضاها و معماری‌ها در بازار تبریز و چند عملکردی بودن آن) است.





شکل 1- مدل مفهومی تحقیق

Fig.1- The conceptual model of research

## 2- روش تحقیق

نظر و بر اساس چرخه‌های زمانی (اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ...) سنجیده شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از روش تحلیل معادلات ساختاری در محیط نرم‌افزار Amos استفاده شده است. همچنین در این تحقیق به منظور سنجش اعتبار درونی نیز ابتدا از روش اعتبار محتوا برای افزایش اعتبار پرسشنامه استفاده شده است. در این راستا با استفاده از مقیاس‌های آزمون شده در پژوهش‌های مربوط به معماری و ماندگاری و نظرخواهی از استادان و کارشناسان متخصص در این زمینه گام نخست برداشته شد. سپس پرسشنامه تدوین شده طی دو مرحله مقدماتی و نهایی تکمیل گردید و با بررسی پاسخ‌های به دست آمده از 30 پرسشنامه مقدماتی و انجام محاسبات آماری لازم، پرسشنامه نهایی تدوین گردید. جهت تحلیل و بررسی میزان صحت سوالات پرسشنامه و سنجش سطح مناسبیت ابزار تحلیل در پژوهش حاضر، با استفاده از روش تحلیل قابلیت اطمینان ضرایب آلفای تمامی سوالات محاسبه شده است. بر اساس محاسبات صورت گرفته ضرایب آلفای تمامی سوالات پرسشنامه بزرگ‌تر از 0.6 است. در جدول شماره 2، شاخص‌ها و

رویکرد اصلی این تحقیق ترکیبی از روش بنیادی - تئوریک و تاریخی با ماهیت توصیفی - تحلیلی است که تلاش می‌کند از مباحث نظری عمومی درباره‌ی مؤلفه‌های ماندگاری و اثر آنها بر معماری بهره ببرد. این پژوهش بر پایه استقراء از مباحث پژوهش کیفی با ترکیب روش‌های کمی انجام شده است. ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهده، مصاحبه و پرسشگری است. بدین منظور ابتدا بصورت اسنادی و مراجعه به پژوهش‌های مختلف مهمترین مؤلفه‌های ماندگاری در معماری استخراج و به منظور سنجش مؤلفه‌های ماندگاری در معماری بازار تبریز از کسبه، متخصصان و کارشناسان مسائل شهری و همچنین مردم عادی پرسشگری به عمل آمده است که بدین منظور 200 نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند (قابل ذکر است که از حجم نمونه‌ی آماری 75 نفر متخصص و کارشناس، 75 نفر کسبه و 50 نفر مردم عادی بوده‌اند). همچنین از طریق مشاهده‌ی مجموعه‌ی بازار تبریز و عناصر موجود و بازدید از رفتارهای شهروندان و همچنین کارکرد و عملکرد مجموعه و همچنین مصاحبه میزان ماندگاری بنا بر اساس مؤلفه‌های مورد

زیرمعیارهای آنها بر اساس مطالعات ادبیات نظری تحقیق ذکر شده‌اند.

مطالعه موردی این تحقیق بازار تاریخی تبریز است. بازار تبریز با مساحت 29 هکتار ترکیبی از انواع کاربری‌های اقتصادی، مذهبی و آموزشی با نقش‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. در یک شناسایی کلی می‌توان چنین برداشت کرد که این بازار در دوره‌های تاریخی فرهنگی از دوره تیموری تا صفویه واز صفویه تا قاجاریه و در تمامی دوره‌های قاجاریه و پهلوی تا دوران معاصر همواره از اهمیت فرهنگی برای دوره‌های مختلف برخوردار بود که مردمان ازمنه مختلف آن را متروک نساخته و پیوسته در رونق آن کوشیده‌اند. در صورتی که بازارهایی همچون نابین و کرمان در دوره‌های مختلف مورد بی مهری فرهنگی مردمان دوره بعدی قرار گرفته و متروک شده‌اند و یا از رونق افتاده‌اند.

### 3- نتایج و بحث

#### 1-3- شناسایی عوامل مؤثر بر ماندگاری معماری

در این قسمت برای شناسایی عوامل مؤثر بر ماندگاری معماری بازار تبریز، از نخبگان دانشگاهی، مدیران، مسئولان و کارشناسان شهری و همچنین مردم عادی پرسشگری به‌عمل آمده است و داده‌های به‌دست آمده بر اساس مدل معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

**آزمون مدل‌های اندازه‌گیری:** پس از جمع‌آوری اطلاعات برای مشخص کردن اینکه شاخص‌های اندازه‌گیری (متغیرهای مشاهده‌شده) تا چه اندازه برای سنجش متغیرهای پنهان قابل قبول هستند، باید ابتدا همه متغیرهای مشاهده شده مربوط به متغیرهای پنهان به طور مجزا، آزمون شوند. شاخص‌های کلی برازش برای الگوهای اندازه‌گیری با به‌کارگیری نرم‌افزار AMOS در جدول 3 بیان شده است.

#### جدول 2- شاخص‌ها و معیارهای مؤثر ماندگاری در معماری

Tab.2- Effective Indicators and Criteria for Stability in Architecture

عوامل اصلی	معنا و هویت (MI)	کالبدی (Ph)	کارکرد و عملکرد (FF)
زیرمعیارها	خاطره‌انگیزی و ایجاد حس تعلق به فضا (MI1)	استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر در طراحی (Ph1)	ترکیب با سایر فضاها و عملکردها (وجود کاربری‌های ترکیبی) (FF1)
	انعکاس عناصر روحانی، ارزش‌ها و باورهای آیینی جامعه (MI2)	تأکید بر انسان در طراحی (نشستن، حرکت و استراحت) (Ph2)	کیفیت حضور انسان در مکان (FF2)
	استفاده از الگوهای کهن و سنتی ایرانی (MI3)	هماهنگی فرم بنا با بستر طرح (Ph3)	پاسخگویی به نیازهای زمانی و مکانی انسانی (FF3)
	آشنا بودن فضا برای مخاطب و احساس راحتی در آن (MI4)	هماهنگی کالبد با عملکرد و اقلیم (Ph4)	توجه به بعد اجتماعی انسان و وجود فضاهایی برای تعاملات اجتماعی (FF4)
	منحصربه‌فرد بودن اثر (فرم زیبا، خلاقیت و نوآوری اثر، اثرگذاری مطلوب) (MI5)	توجه به تکنولوژی و فناوری در معماری بنا (Ph5)	

#### جدول 3- شاخص‌های کلی برازش برای الگوهای اندازه‌گیری

Tab.3- General fit indices for measurement patterns

مؤلفه‌ها	GFI	IFI	NFI	CFI	RMSEA
معنا و هویت	0/956	0/932	0/946	0/924	0/01
کارکردی و عملکردی	0/928	0/941	0/971	0/930	0/01
کالبدی	0/943	0/938	0/936	0/947	0/02



(ضرایب بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی یا CR)، روایی همگرا و روایی واگرا بررسی می‌شود. ابتدا بار عاملی گویه‌ها بررسی شد. نتایج نشان داد بار عاملی همه‌ی گویه‌ها بیشتر از 0.5 است که نشان‌دهنده‌ی مناسب بودن این معیار است. سایر نتایج مربوط به ضرایب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی همگرا در جدول 4 بیان شده است.

بر اساس نتایج آماری و همچنین مدل تحلیل مسیر در نرم‌افزار AMOS مدل ساختاری تحقیق به شرح شکل شماره 2 است.

بر اساس نتایج به دست آمده از نمونه‌ی آماری عوامل مؤثر بر ماندگاری معماری بازار تبریز با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی به ترتیب مؤلفه‌های معنا و هویت، کارکردی و عملکردی و در نهایت نیز کالبدی بوده‌اند که ضرایب حاصل برای این رویکردها به ترتیب 0.93، 0.87 و 0.79 است. همچنین در این رویکردها بیشترین تأثیرگذاری مربوط به متغیرهای منحصربه‌فرد بودن اثر (فرم زیبا، خلاقیت و نوآوری اثر، اثرگذاری مطلوب)، خاطره‌انگیزی و ایجاد حس تعلق به فضا، ترکیب با سایر فضاها و عملکردها (وجود کاربری‌های ترکیبی) و کیفیت حضور انسان در مکان به ترتیب با ضرایب 0.92، 0.89، 0.82 و 0.77 بوده است.

یکی از شاخص‌های معتبر که برای برازندگی مدل به کار می‌رود GFI یا شاخص نیکویی برازش است. این شاخص را می‌توان مشخصه مشابه با ضریب تعیین در رگرسیون چندمتغیره در نظر گرفت. هرچه GFI به عدد یک نزدیکتر باشد، الگوی داده‌ها برازش بهتری دارد. همچنین سه شاخص دیگر، IFI یا شاخص برازش افزایشی، NFI یا شاخص برازش هنجار شده و CFI یا شاخص برازش تطبیقی بین صفر و یک قرار دارند و هر چه به عدد یک نزدیکتر باشند، کارایی مدل بیشتر خواهد بود. شاخص ریشه‌ی دوم میانگین مربعات خطای برآورد یا RMSEA نیز یکی دیگر از شاخص‌های برازندگی مدل است که در الگوهای قابل قبول مقدار 0.08 یا کمتر دارد. برازش الگوهایی که مقادیر بالاتر از 0.1 دارند، ضعیف برآورد می‌شوند. همان‌طور که در جدول شماره 4 مشاهده می‌شود، مقدار این شاخص برای الگوی اندازه‌گیری کمتر از 0/08 است که نشان‌دهنده برازش خوب الگوها توسط داده‌هاست. در نهایت، با توجه به مطالب یاد شده می‌توان نتیجه گرفت الگوهای اندازه‌گیری (متغیرهای مشاهده‌شده) برازش خوبی دارند و به این معناست که متغیرهای آشکار به خوبی می‌توانند متغیرهای پنهان را اندازه‌گیری کنند. برازش مدل‌های اندازه‌گیری با سه معیار پایایی شاخص

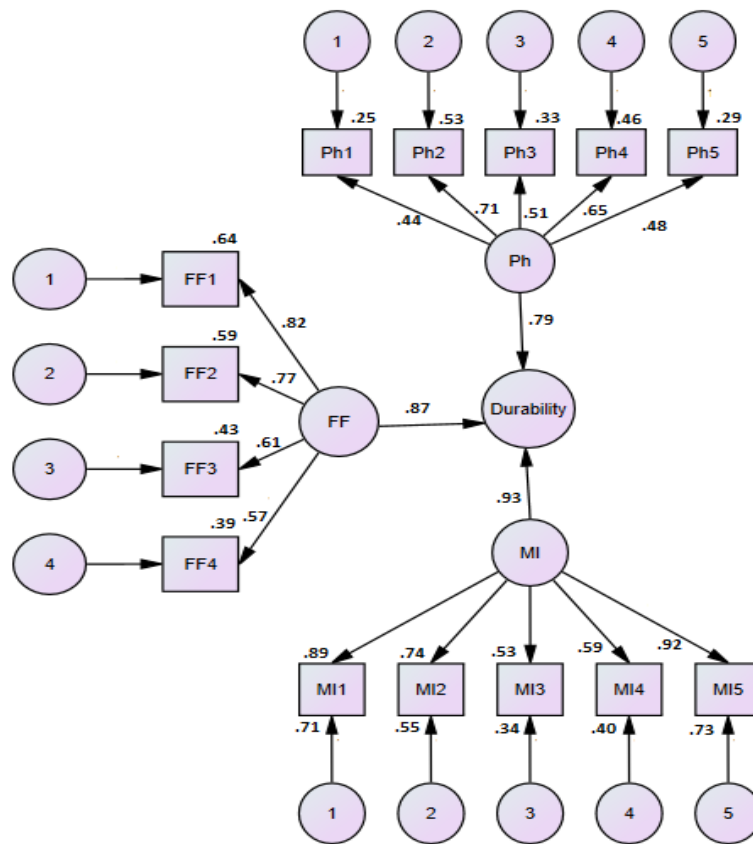
جدول 4- برازش مدل‌های اندازه‌گیری

Tab.4- Fitting measurement models

AVE	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	بار عاملی		
0/773	0/788	0/728	0/711	MI1	معنا و هویت (MI)
0/719	0/756	0/766	0/832	MI2	
0/662	0/819	0/842	0/539	MI3	
0/541	0/847	0/826	0/821	MI4	
0/583	0/909	0/769	0/636	MI5	
0/673	0/911	0/763	0/901	FF1	کارکردی و عملکردی (FF)
0/649	0/907	0/714	0/674	FF2	
0/593	0/826	0/739	0/882	FF3	
0/588	0/847	0/921	0/756	FF4	
0/776	0/842	0/924	0/843	Ph1	کالبدی (Ph)
0/569	0/854	0/853	0/569	Ph2	
0/541	0/743	0/866	0/674	Ph3	
0/653	0/839	0/793	0/783	Ph4	
0/662	0/886	0/766	0/644	Ph5	

بر اساس سطح معناداری 0/05 مقدار باید بیشتر از 1/96 باشد، مقدار پارامتر کمتر از این در الگو مهم شمرده نمی‌شود. همچنین، مقادیر کوچکتر از 0/05 برای مقدار P حاکی از تفاوت معنادار مقدار محاسبه شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح 95 درصد اطمینان است. فرضیه‌ها به همراه ضریب رگرسیونی و مقادیر شاخص‌های جزئی مربوط به هر فرضیه در جدول 5 بیان شده است.

شاخص‌های برازش GFI، NFI، CFI و RMSEA برای مدل ساختاری به ترتیب 0/938، 0/927، 0/908 و 0/02 به دست آمده که در محدوده قابل قبول، قرار دارند و مدل برازش بسیار خوبی دارد. پس از بررسی و تأیید الگوهای اندازه‌گیری برای آزمون معناداری فرضیات، دو شاخص جزئی مقدار بحرانی P و به کار گرفته شد.



شکل 2- مدل ساختاری تحقیق  
Fig.2- Structural Model of Research

جدول 5- ضریب رگرسیونی و مقادیر شاخص‌های جزئی مربوط به فرضیات

Tab.5- Regression coefficient and values of partial indices related to the hypotheses

نتیجه	P	مقدار بحرانی	ضریب رگرسیونی	فرضیه
تأیید	0/000	3/96	0/821	به نظر می‌رسد مؤلفه‌های معنا و هویت تأثیر مثبت و معناداری در ماندگاری معماری داراست.
تأیید	0/000	3/56	0/782	به نظر می‌رسد مؤلفه‌های کارکردی و عملکردی تأثیر مثبت و معناداری در ماندگاری معماری داراست.
تأیید	0/001	2/78	0/642	به نظر می‌رسد مؤلفه‌های کالبدی تأثیر مثبت و معناداری در ماندگاری معماری داراست.



مظفریه است که خود این تیمچه‌ها از کانون‌های مهم فرهنگی و اجتماعی شهر تبریز به شمار می‌آمده است. بازار تبریز در مقایسه با بازار شهرهای تهران، شیراز و اصفهان که ساختاری خطی دارند از ساختاری شبکه‌ای برخوردار است. بازار تبریز دارای بیشترین طول راسته‌ها و مساحت است. علاوه بر موارد مذکور، تنوع ویژه اجزای گونه‌های هر یک از فضاهای مکث و حرکت در مجموعه بازار تبریز نشان از پشتوانه اندیشه غنی برای طراحی شهری تبریز است. علاوه بر ویژگی‌های مطرح شده، تناسب انسانی‌تر بازار تبریز نسبت به بازار 3 شهر دیگر (به جهت سازگاری با اقلیم تبریز)، تعدد مساجد و پررنگی عوامل اجتماعی از دیگر مشخصه‌های منحصر بازار تبریز است.

بازار تبریز از بزرگ‌ترین بازارهای سرپوشیده جهان و یکی از شاهکارهای معماری ایرانی است. این بازار در سال 1193 هجری قمری بر اثر زلزله با خاک یکسان شد اما طولی نکشید که معماران زبردست آن را بازسازی کردند و بازار کنونی مربوط به اواخر حکومت زندیه و عصر قاجار است. بازار تبریز در سال 1354 هجری شمسی در فهرست آثار ملی کشور و در سال 1389 به عنوان نخستین بازار جهان در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است. با توجه به اینکه بازار تبریز از بناهای ماندگار محسوب می‌شود در جدول شماره 6 به بررسی عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر ماندگاری معماری این بنا پرداخته شده است. در این جدول به بررسی عناصر و عملکرد مختلف ابعاد مورد بررسی بازار تبریز در قالب مؤلفه‌های معنا و هویت، کارکردی و عملکرد، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و سیاسی پرداخته شده و بر اساس استنتاج نگارندگان، مشاهدات میدانی و مصاحبه ماندگاری بازار تبریز بر اساس تأثیرات چرخه‌های زمانی (خطی و تکاملی) سنجیده شده است.

همچنین نتایج حاکی از آن است که ماندگاری معماری در طول زمان از دو نوع الگوی مختلف تأثیر می‌پذیرد. در نوع اول و زمان خطی، ماندگاری معماری با توجه به تکرار یکسان چرخه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ... موجب رکود و مرگ معماری

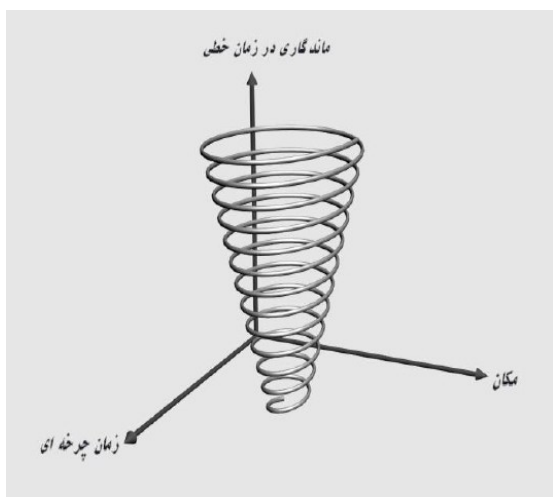
## 2-3- تأثیر چرخه‌های زمانی خطی و تکاملی بر ماندگاری معماری بازار تبریز

مجموعه بازار تبریز یکی از بازارهای بزرگ تاریخی با 29 هکتار مساحت و حاکی از داشتن اصول مبانی تبیین و تثبیت شده‌ای است که موجب شکل‌گیری مطلوب و قابل ذکر در توسعه بافت شهر و به خصوص بازار بزرگ شده است. 5760 متر طول راسته‌ها و از کهن‌ترین بازارهای زیبای خاورمیانه در دوره پس از ورود اسلام به ایران به شمار می‌آید. سبک معماری و آرایش مغازه‌ها، کثرت تیمچه‌ها، کاروانسراها، دالان‌ها و راسته‌ها، انواع مشاغل و حرف و وجود تعداد بسیاری مدرسه و مسجد که در کنار سراهای بازرگانی قرار گرفته‌اند، این بازار تاریخی را به نمونه‌ای عالی و منحصر به فرد از یک مرکز مهم تجاری اسلامی و شرقی مبدل ساخته است (Pourjafar et al, 2016:90). این مجموعه خود نمونه بارزی از تبلور اندیشه‌هایی در زمینه ایجاد مراکز تجاری در سنت برنامه‌ریزی و طراحی شهری ایران و به ویژه مکتب شهر تبریز است. بر اساس کتیبه و نوشته‌های تاریخی تبریز که در مسیر کاروان‌های بزرگ آسیای دور و اروپا قرار داشته است در طی ادوار متوالی بازار دادوستد و معامله ادویه مالزی، سنگ‌های قیمتی هندوستان، سیمان مالایا، شال‌های بافت کشمیر، فیروزه‌ی نیشاپور، گلاب و عطر کاشان و شیراز، ابریشم گیلان، اسلحه گرجستان و شام، و سایر کالاهای بازرگانی بوده است. پارچه‌های گران‌بها و مرغوب و فرش‌های عالی و ابریشمی نیز از صادرات مهم تبریز محسوب می‌شده و این شهر مرکز مبادله پارچه‌های ابریشمی چین به اروپا و اجناس کشورهای اروپایی به خاور دور بوده است (Khamachi, 1996).

بازار تبریز مانند سایر بازارهای ایران به بخش‌ها و راسته‌های خاص اصناف معین تقسیم و به نام آنها معروف شده است. مهمترین این راسته‌ها عبارتند از: بازار امیر راسته، راسته قدیم، بازار سراجان، بازار شیشه‌گر خانه، بازار کفاشان، بازار صفی، بازار صادقیه، بازار کلاهدوزان، بازار پنبه فروشان، بازار دباغ‌خانه، بازار قند فروشان، قیزبستی بازار، بازار مسگران. تیمچه‌های معروف بازار تبریز نیز تیمچه امیر، تیمچه حاج شیخ و تیمچه

ویژگی‌های اقتصادی و سیاسی	وجود 35 سراه، 25 تیمچه، 11 دالان و حدود 5500 حجره و همچنین بیش از چهل نوع صنف در مجموعه بازار؛ تجارت در مقیاس ملی و بین‌المللی؛ تغییرات محدود در نظام سیاسی.	ویژگی‌های سیاسی و اقتصادی نیز با توجه به ثبات حاکم اکثرًا به صورت خطی تأثیرگذار بوده‌اند و در مواردی نیز تغییرات تکاملی داشته‌اند.
---------------------------	--	--

نمودار شماره 3 تأثیرات زمان خطی و چرخه‌ای را بر ماندگاری معماری نمایش می‌دهد. در این نمودار قابل مشاهده است ماندگاری یک مکان در محور زمان بصورت خطی و چرخه‌ای است. زمان چرخه‌ای که در قاعده نمودار قرار دارد نشان می‌دهد که تکرار عوامل مختلف باعث ایجاد رکود و مرگ در معماری می‌شود. همچنین بر اساس حلقه‌های موجود قابل استنتاج است که هرچه به سمت بالا و زمان خطی پیش می‌رود دهانه حلقه‌ها بزرگتر می‌شود و ماندگاری مکان را افزایش می‌دهد (حلقه نشانگر ماندگاری یک مکان در محور زمان است).



شکل 3- تأثیرات زمان خطی و چرخه‌ای بر ماندگاری معماری

Fig.3- The effects of linear and cyclic time on architectural stability

می‌گردد و در نوع دوم معماری با توجه به زمان چرخه‌ای و تکامل چرخه‌های مختلف ماندگاری و جاودانگی معماری را باعث می‌گردد.

جدول 6- مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ماندگاری معماری بازار تبریز

Tab.6- Factors Influencing on Stability of Tabriz market architecture

مؤلفه‌ها	تأثیرات مؤلفه‌ها	تأثیرات چرخه‌های زمانی
ویژگی‌های معنا و هویت	انعکاس عناصر روحانی و ارزش‌های جامعه با وجود 20 مسجد و 9 مدرسه‌ی دینی و آموزشی؛ استفاده از الگوهای کهن و سنتی ایرانی در طراحی و افزایش حس تعلق به فضا.	عملکرد مساجد با مدارس علمیه و کتابخانه‌ها آمیخته و پایگاهی برای برگزاری مراسم در اعیاد و عزاداریها دارند که در طول ادوار مختلف از چرخه‌ی خطی پیروی می‌کند.
ویژگی‌های کاربردی و عملکردی	ترکیب فضاهای مختلف با کارکردهای متنوع در مجموعه بازار (تجاری، مذهبی، آموزشی و ...).	عملکرد بازار نمونه‌ای از فعالیت‌های جاری در تمامی فصول است که چرخه‌ای تکاملی را دارا است.
ویژگی‌های کالبدی	توجه خاص به حضور انسان با نظر به اینکه کلیه‌ی نیازهای زمانی و مکانی مدنظر است؛ اقلیم سرد و نیاز به شبکه فضاهای سرپوشیده نظام توده و فضای فشرده، ثبات دمایی و صرفه‌جویی در مصرف انرژی.	راسته‌ها، سراه‌ها، و تیمچه‌های سرپوشیده بازار تبریز و همچنین توجه به نیازهای مختلف انسانی زندگی و حضور طولانی مدت در بازار را در فصول مختلف به خصوص زمستان ممکن ساخته که طی ادوار مختلف نیز تکامل خود را طی کرده است.
ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی	توجه به بعد اجتماعی انسان و وجود فضاهایی برای تعاملات اجتماعی و همچنین نیازهای فرهنگی.	این بعد در رابطه با ویژگی‌های مختلف به صورت خطی و تکاملی عمل کرده است. فضای بازار مکانی برای برگزاری انواع مراسم‌ها و تعاملات اجتماعی در زمان‌های مختلف بوده است که کیفیت این مراسم و تعاملات در طی زمان تکامل یافته است.



از آن است که مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ماندگاری معماری بازار تبریز به ترتیب مؤلفه‌های معنا و هویت، کارکردی و عملکردی و در نهایت نیز کالبدی بوده‌اند، که در این رویکردها بیشترین تأثیرگذاری مربوط به متغیرهای منحصربه‌فرد بودن اثر (فرم زیبا، خلاقیت و نوآوری اثر، اثرگذاری مطلوب)، خاطره‌انگیزی و ایجاد حس تعلق به فضا، ترکیب با سایر فضاها و عملکردها (وجود کاربری‌های ترکیبی) و کیفیت حضور انسان در مکان بوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که چرخه‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... طی ادوار مختلف به‌جز تأثیر نامطلوب جزئی، تأثیرات مطلوب و مثبتی بر ماندگاری معماری بازار تبریز داشته است.

این چرخه‌های زمانی به‌صورت دو نوع خطی و تکاملی است که از جمله تأثیرات نامطلوب در معماری فضای بازار تبریز می‌توان به تغییر در روابط و تعاملات اجتماعی و اقتصادی بیان کرد که روابط چهره به چهره را تا حدودی کاهش داده شده است؛ می‌توان عنوان کرد که این مورد از چرخه‌های تکاملی محسوب می‌شود و در عرصه جهانی شدن از ویژگی‌های مثبت محسوب می‌شود ولی در ماندگاری معماری بازار تبریز تا حدودی معیاری منفی است. از طرفی چرخه‌های سیاسی و اقتصادی در تبریز و بازار آن از اصول خطی و تکاملی محسوب پیروی می‌کنند چنانچه طی ادوار مختلف نظام حاکم دید مثبتی نسبت بازار تبریز داشته و طی سالیان گذشته با تکامل خود توانسته آن را در یونسکو به عنوان آثار جهانی به ثبت برساند. همچنین تجارت ملی و بین‌المللی بازار تبریز از گذشته تا امروز بوده و علاوه بر ویژگی خطی موجود سیر تکاملی را نیز سپری کرده است. از نظر شاخص‌های فرهنگی نیز بازار تبریز با حفظ ویژگی‌های خود در مورد مراسم و آیین‌ها توانسته است به صورت خطی موقعیت خود را حفظ نماید. بر اساس نتایج بدست آمده شکل شماره 4 عوامل مؤثر بر ماندگاری معماری بازار تبریز را نشان می‌دهد.

#### 4- نتیجه‌گیری

بررسی عوامل مؤثر بر جاودانگی یک اثر معماری از آن باب ضروری است که امروز پس از گذشت دوران اصالت سوژه و پس از آن اصالت اوبژه و نهایتاً مرگ هر دو و تلاش‌ها برای آفرینش معماری جاودانه، عمر هنر بسیار کمتر از گذشته شده است و این آثار علاوه بر آن که چیزی برای عرضه به آیندگان ندارد، در میان عوام نیز جایگاهی نداشته و در واقع این معماری دچار روزمرگی می‌گردد. حال با توجه به مسایل یاد شده این پرسش مطرح می‌شود که به راستی جاودانگی یک اثر معماری به چه عواملی بستگی دارد و این عوامل تا چه حد به ویژگی‌های فیزیکی (کالبدی) و تا چه حد به عوامل متافیزیکی (غیر کالبدی) بستگی دارد. معماری سنتی که در زمان خود، یکی از ارزش‌ترین میراث‌ها به شمار می‌آمد و حتی بر معماری سایر تمدن‌ها نیز تأثیر می‌گذاشت، امروزه فاقد سرمشق‌های شایسته است و نمی‌تواند مولد جریان‌های بدیع معماری باشد. از سویی وقتی صحبت از ماندگاری یک اثر می‌شود در مورد آرمان معمار در دوره‌های مختلف تاریخی که همیشه در پی ساخت یک معماری جاودان بوده است، اشاره می‌گردد؛ وقتی عوامل تأثیرگذار مانایی در یک اثر معماری بررسی می‌شود، این نتیجه به‌دست می‌آید که معمار حکیم با توجه به تمام جنبه‌های مؤثر در انسان توانسته به آرمان خود نزدیک شود و در مرتبه‌ای بالاتر توجه به خداوند را که خالق انسان است، در پس کالبد ظاهری، در ناخودآگاه مخاطب القاء کند. معمار حکیم با توجه به انسان که مخلوق خداوند است معماری مانایی خلق نموده و با توجه به طبیعت که آن نیز از مخلوقات خداوند است، حکمتی جاویدان در اثر خود تزریق کرده که این پایداری به معنای توجه معنوی به طبیعت و یکی شدن معماری با آن در ظاهر و باطن است؛ که در نهایت به جاودانگی یک اثر معماری می‌انجامد. از این‌رو می‌توان عنوان کرد که ماندگاری معماری برگرفته از عوامل و ویژگی‌ها خود بنا و محیط اطراف است.

با توجه به اهمیت موضوع ماندگاری در معماری در این تحقیق هدف شناسایی عوامل مؤثر بر ماندگاری معماری بازار تبریز بوده است. نتایج به‌دست آمده حاکی

Gholabchi, M. Zeinali Farid, A. (2012). Archetypal architecture, Pattern archetype, fundamental sustainable patterns, Tehran, Tehran University Press.

Hojjat, E. (2003). Architectural Education and worthless Values, Fine Arts - Architecture and Urbanism, (14), 63-70.

Ingersol, R, Tatary, K. (2008), Architecture without people, Translation: Mokhber, A, Architect Magazine, 11 (37), 15-30.

Khamachi, B. (1996). Tabriz market over time investigation of historical, economic, political, social situation of Tabriz market, Tbriz, Ashina Publishing.

Lak, A. Jalalian, S. (2018). Experience the meaning of urban space Location: The application of qualitative content analysis in discovering the meaning of "Ferdos Garden", Iranian Architectural Studies, 7 (13), 71-88.

Moen, M. (2009), Moen Dictionary, Tehran, Tehran Sepehr Publications.

Moeni, H, Saenia, A. (2004). Architectural ethics and thinking in today's world, The 2nd Congress of History of Architecture and Urbanism of Iran, irst volume, Tehran, Media Publishing.

Mohhamzade, M (2006). Looking for a lost piece, Architect Magazine, 9 (29), 24-32.

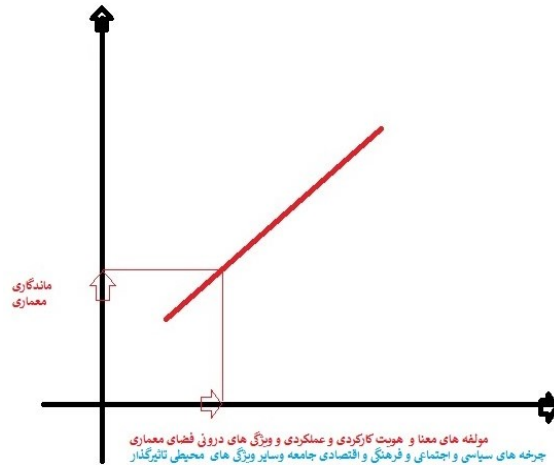
Mozayani, M. (2002). Architecture and people, Architect Magazine, 5 (18), 4-17.

Noghrekar, A, Hamzenezhad, M, Forazande, A. (2009). The Secret to the Immortality of Architectural Works, An Analysis of Modernist, Enthusiast, and More Thinking Approaches, Bagh nazar, 6 (12), 31-44.

Pakzad, J. (2015). Theoretical Basis and Urban Design Process, Tehran, Shahidi Publishing.

Plasma, B. (2006). Social Commitment and Autonomous Architect, Translation: Pourrasol, M, Architecture and Urbanism, 17 (38-39), 1-17.

Pourjafar, M, R, Pourjafar, A. (2011). The role of social capital in the economic situation of traditional markets in Iran, The first urban economic conference in Iran, Mashhad.



شکل 4- عوامل مؤثر بر ماندگاری معماری بازار تبریز  
Fig.4- Factors Influencing on Stability of Tabriz market architecture

منابع

Aivazian, S. (2006), Search for the Transcendental Art and Architecture, Architecture and culture, 8 (25), 1-25.

Alexander, K. (2007). Architecture and the secret of immortality, Translation: Ghayomi, M, Tehran, Shahid Beheshti University.

Alidoost, R, S, karimi Azeri, A, R, Parvizi, R (2018), Phenomenological study of the concept of identity in historical textures by location components in the design of new urban textures (Case study: Saghari Sazan neighborhood of Rasht), Journal of Sustainable Architecture and Urban Design, 6 (1), 39-60.

Cross, Jennifer E. (2001). What is sense of place, research on place and space, Website.

Cruz, N, S, Torres, M, I, M, Da Silva, J, A, R, M. (2011). Bioclimatic Architecture Potential in Buildings Durability and in their Thermal and Environmental Performance, International Conference on Durability of Bulding Materials and Components, Porto, Portugal, April 12th-15th.

Dekhoda, A, A. (1998), Dekhoda Dictionary, Tehran, Tehran University.

Ghobadian, V. (2005). Foundations and Concepts in Contemporary Western Architecture. Tehran, Publication of the Office of Cultural Research.





Shoae, H, R. (2011). A Comparative Study of the Causes of Sustainability of Hosseiniyeh Iran, PhD thesis of architecture, Supervisor: Mokhtabad, Tehran, Islamic Azad University, Science Research Branch.

Stedman, Richard C. (2003). Is it really just a social construction? The contribution of the physical environment to sense of place. *Society and Natural Resources*. 16,671-685.

Stokols, Daniel. (1981). Group place transactions: some neglected issues in psychological research on settings. *Lawrence Erlbaum, Hillsdale, NJ*, 393-415.

Taher Tolou Del, M, S, Sadeghi Habib Abad, A, Mahdi Nejad, J (2016), Recognition of Durability of Sacred Images' Nature in the Iran Islamic Traditional Architecture Based on Identification of the Stable identity of Iranian Congregational Mosques, *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*, 4 (2), 17-30.

Weisberg, Robert W. (2006). Creativity: understanding innovation in problem solving, Science, invention and the arts. USA: John Wiley & Sons. Inc.

Yzurdiaga, Katherine P. (2014), "Reconsidering Firmitas: Durability as an Integral Function of the Sustainably Built Environment", *Pomona Senior Theses. Paper 111*, [http://scholarship.claremont.edu/pomona\\_theses/111](http://scholarship.claremont.edu/pomona_theses/111).

Pourjafar, M. R. (2003). The Immortality of Urban Planning Looking at the City of Rome, *Municipalities* (54), 51-54.

Pourjafar, M. R. Akbarian, R. Ansari, M. Pormand, H. A. (2007). The Thought Approach to Continuity of Iranian Architecture, *Seffe*, (16), 90-105.

Pourjafar, M. R. Mollayi. A. Pourjafar, A. (2016). Explaining the design features of Tabriz Islamic Iranian city, Case Study: Big Market of City, *Firoze-e-Eslam*, 2 (2): 87-108.

Pourjafar, M. R. Sadeghi. A. R. Yusefi, Z. (2008). Recognition of the Meaning Effect on Perpetuity of Place: A Case Study of Hawraman-E-Takht village in Kurdistan, *Housing and Rural Environment*, 28 (125), 2-17.

Relph, E. (1976). Place and placelessness, pion, London.

Seamon, D. Sowers, J. (2008). Place and Placelessness, Edward Relph, *Human Geography*, London Sage.

Shafeeyan dariani, F, Pourjafar, M, R, Ghobadi, A. (2014). The concept of persistence in Islamic architecture and its comparison with the concept of sustainability in contemporary architecture, *Islamic architecture*, 2 (5), 32-50.